



**آزمون های ترم پایان سال**

**سال تحصیلی 1399-1400**

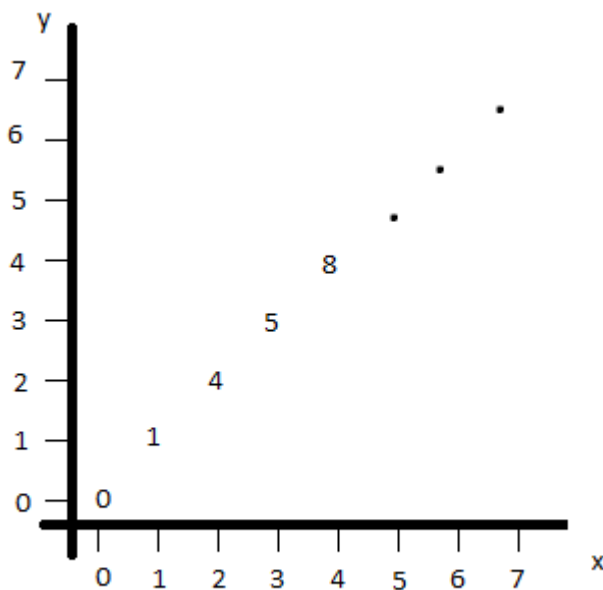
درس: کامپیوتر پایه: نهم  
مدت آزمون: 120 دقیقه صفحه 1 از 2

نام و نام خانوادگی:  
کلاس: ( 90 ) شماره صندلی:  
نام دبیر: استاد صیادی  
تاریخ: چهارشنبه 22 اردیبهشت ماه 1400

داستان آقا فیروز و آقا نوروز که در اینجا آمده داستانی خیالی است و بکار بردن این نام ها کاملا اتفاقی می باشد. (دیگه خیلی تو آمپاس بودم)

سوال یک :

آقا فیروز یک خری داشت که متعلق به مناطق بیابانی بود روزی این خر سرابی در بیابان دید و به دلیل خراست (خر بودن) شروع به شنا کردن در آن کرد و از آنجا که بیابان تمامی ندارد، همینطور ادامه داد و ادامه داد. خر ها شیوه خاصی برای شنا کردن دارند که به شنای خری معروف است. اگر بیابان را به صورت یک دستگاه مختصات نشان دهیم



که خر از مبدا آن شروع به شنا کرده، خر در اثر شنای خری به این شکل در بیابان جا به جا می شود: ( البته که شاء به داره)

مدت ها بعد که خر های دیگر وقتی متوجه موضوع شدند، به دنبال خر گم شده رفتند و در بیابان پخش شدند. حالا هر یک به جایی از بیابان رسیده و می خواهد بداند خر گم شده چه مسیری را طی کرده تا بتواند پیدایش کند. آنها خر هستند و به کمک شما برای گرفتن جواب سوال های خود و پیدا کردن خر گم شده احتیاج دارند.

پس آرایه دو بعدی داریم که به صورت مربع 7 در 7 تعریف شده است و مقداردهی شود و سپس قطر گفته شده را فقط نمایش دهد.

جواب

```
using namespace std;

int main()
{
    int k,i,j;
    cout<<"tedad array:";
    cin>>k;
    int a[k][k];
    for(i=0;i<k;i++)
    {
        for(j=0;j<k;j++)
        {
            cout<<"enter number"<<i<<" "<<j<<" : ";
            cin>>a[i][j];
        }
    }
    for(i=0;i<k;i++)
    {
        for(j=0;j<k;j++)
        {
            cout<<a[i][j]<<"\t";
        }
        cout<<"\n";
    }
    for(i=0;i<k;i++)
    {
        for(j=0;j<k;j++)
```



**آزمون های ترم پایان سال**

**سال تحصیلی 1399-1400**

درس: کامپیوتر پایه: نهم  
مدت آزمون: 120 دقیقه صفحه 3 از 2

نام و نام خانوادگی:  
کلاس: ( 90 ) شماره صندلی:  
نام دبیر: استاد صیادی  
تاریخ: چهارشنبه 22 اردیبهشت ماه 1400

```
if(i+j==k-1)
    cout<<a[i][j]<<"\t";
else
    cout<<" ";
}
cout<<"\n";
}
}
```

سوال دو:

آقا فیروز به تازگی کارهای مدیریت ساختمان خود را با استفاده از نرم افزار سبزپردازحلی 5 انجام می دهد؛ این نرم افزار به او کمک می کند تا کارهایش را خیلی سریع تر انجام دهد و وقت بیشتری برای بازی با نوز داشته باشد. حالا فیروز می خواهد جمع مبالغ شارژ همسایه ها را محاسبه کند. (بودن قمپوز و به ضرس قاطع)

به همین منظور او یک جدول  $n \times m$  بر روی نرم افزار ایجاد می کند و در هر کدام از خانه های آن، مقدار پول که همسایه های بابت شارژ پرداخت کرده بودند را نوشت البته هر همسایه در یک خط، حالا آقا فیروز می خواهد جمع سطری هر جدول را حساب کرده و سپس جمع همه ی آن خانه های را به عنوان جمع کل نمایش دهد.

```
#include <iostream>
using namespace std;
int main ( )
{
    int k,i,j;
    cout<<"tedad array; " :
    cin>>k;
```

```

int a[k][k]; [
for(i=0;i<k;i (++
}

for(j=0;j<k;j (++
}

cout<<"enter number"<<i<<" "<<j; " : ">>
cin>>a[i][j]; [
{
{
int f=0;
for(i=0;i<k;i (++
}

int s=0;
for(j=0;j<k;j (++
}

cout<<a[i][j]<<"\t; "
s+=a[i][j]; [
{

cout<<"\njame satr="<<s;
f+=s;
cout<<"\n; "

{

cout<<"\n jame kol="<<f;
}

```



**آزمون های ترم پایان سال**

**سال تحصیلی 1399-1400**

درس: **کامپیوتر** پایه: **نهم**

مدت آزمون: **120 دقیقه** صفحه 5 از 2

نام و نام خانوادگی:

کلاس: ( 90 ) شماره صندلی:

نام دبیر: استاد صیادی

تاریخ: چهارشنبه 22 اردیبهشت ماه 1400

نوروز که به دلیل قرنطینه کم حوصله شده، می خواهد به کیک پزی روی بی آورد و در اپلیکشن **کیک پز حلی 5** خودی نشان دهد و در کلاس های آنلاینش هم شرکت نکند. (همه اش ان قولت، همه اش لُغوز)

او در روی کیک ها می خواهد ستاره چاپ کند و کمکی که شما دارید این است که با وارد کردن یک عدد دلخواه به عنوان قطر دایره، شکل \* را بر روی کیک چاپ شود. (شکل ضربدر روی صفحه کلید)

```
#include <iostream>
```

```
using namespace std;
```

```
int main()
```

```
{
```

```
    int k,i,j;
```

```
    cout<<"tedad star:";
```

```
    cin>>k;
```

```
    for(i=1;i<=k;i++)
```

```
    {
```

```
        for(j=1;j<=k;j++)
```

```
        {
```

```
            if(i==j or i+j==k-1 or i==k/2 or j==k/2)
```

```
                cout<<"*";
```

```
            else
```

```
                cout<<" ";
```

```
        }
```

```
    cout<<endl;
```

```
}
```

```
}
```

آقا فیروز که به دلیل قیمت بالای هزینه ها به تنگ آمده بود البته مغلظه نیستها ، تصمیم گرفت تا در شرکت تاکسیرانی تیپنپ کار کند. شهری که آقا فیروز در آن زندگی می‌کند شامل  $n$  میدان است که در یک خط راست قرار دارند و به ترتیب از چپ به راست با شماره‌های ۱ تا  $n$  شماره‌گذاری شده اند.

او میدان های مهم شهر را این طور علامت‌گذاری می‌کند که میدان شماره 1 و بعدی میدان شماره 2 و بعدی میدان شماره 3 که از جمع 2 شماره قبلی بدست آمده است چون این روش مخصوص خودش است به آن فیبوفیروز نام نهاده است و از الگوی زیر پیروی می‌کند:

1و2و3و5و8و13...

در این برنامه ورودی یک عدد است که به ازای آن شماره میدان‌ها چاپ شود. در ضمن می‌تواند بررسی کند که آیا عدد ورودی جزء میدان کد گذاری شده آقا فیروز هست یا نه.

```
#include <iostream<
```

```
using namespace std;
```

```
int main ( )
```

```
{
```

```
int a=0,b=1,c,n,flag=0;
```

```
cout<<"chand jomle ; " ?
```

```
cin>>n;
```

```
for(int i=0;i<=n;i++)
```

```
{
```

```
c=a+b;
```

```
cout<<c; " ">>
```

```
if(c==n (
```

```
flag=1 ;
```

```
a=b;
```

```
b=c;
```

```
{
```



**آزمون های ترم پایان سال**

**سال تحصیلی 1399-1400**

درس: کامپیوتر پایه: نهم  
مدت آزمون: 120 دقیقه صفحه 7 از 2

نام و نام خانوادگی:  
کلاس: ( 90 ) شماره سندلی:  
نام دبیر: استاد صیادی  
تاریخ: چهارشنبه 22 اردیبهشت ماه 1400

```
if(flag==0 (
    cout<<"\nno ; "
else
    cout<<"\nyes ; "
}
```

بدون قیپ و قوی (دوستتون دارم - ارادتمند شهروز صیادی)